یادداشت

تولید خشونت در لوای ولنگاری فرهنگی

سردار جلیل موقوفه‌ای
فرمانده انتظامی استان سمنان

خشونت روانی در عرصه بدحجابی و برهنگی، آثاری عمیق در جامعه به جا می‌گذارد که تبعات آن در جامعه و روی افراد برجای خواهد ماند. خشونت امری ضدهنجار و عاملی مخرب در فرآیند توسعه زندگی فردی و جمعی است و می‌تواند به بسیاری از روابط در حوزه‌های خرد و کلان آسیب وارد کند، ولی آنچه از خشونت در افکار عمومی و ادبیات اجتماعی مطرح می‌شود، غالباً خشونت فیزیکی و کلامی است که در عناوینی مثل ضرب و جرح، فحاشی و مزاحمت تعریف و پیگیری می‌شود و بیشتر معطوف و محدود به دو گروه زنان و کودکان در بستر خانواده و جامعه شده است. وجوه دیگر این پدیده مانند خشونت جنسی، خشونت مجازی و عاطفی اخیراً به آن پرداخته شده و کارشناسان و عموم جامعه این ابعاد را زیر ذره‌بین خود برده‌اند، ولی ابعاد و وجوه دیگری از خشونت نیز وجود دارد که به‌رغم گستره عظیم و قدرت اثربخشی عمیق آنها بر فرد و جامعه، کمتر بدان‌ها پرداخته می‌شود، از جمله خشونت روانی و جنسی گسترده که با رواج بی‌حجابی و برهنگی در بستر جامعه و تشویش ذهن و روان جوانان ایجاد می‌شود و معمولاً در پوشش آزادی فرهنگی قرار گرفته و به تبعات مخرب آن بر فرد، خانواده و روابط عاطفی و خانوادگی هیچ‌گونه اهمیتی داده نمی‌شود.

این بعد از خشونت به مراتب مخرب‌تر از خشونت‌های آشکاری است که روزانه و مستمر توسط قوای قانونی و قضایی کشور کنترل می‌گردد، چراکه خشونت آشکار غالباً به درگیری مستقیم و فیزیکی دو یا چند تن معدود و محدود می‌شود، ولی خشونت روانی جاری در عرصه بدحجابی و برهنگی، آثاری عمیق، گسترده و گاهی نسلی در جامعه می‌گذارد که تبعات آن بر فرد، روان، روابط، خانواده و اجتماع متعلق به وی به جای خواهد ماند. از همین منظر ساختار مدیریتی جامعه همانگونه که با خشونت آشکار با جدیت مقابله می‌کند از منظر حراست از امنیت روانی، عاطفی و جنسی در جامعه موظف است با خشونت ناشی از رواج برهنگی و بی‌حجابی در جامعه نیز مقابله کند.

بدیهی است، پایه‌های چنین رفتار خشونت باری در فرهنگ عمومی جامعه نهادینه است و نهادهای مسئول در این زمینه مسئولیت سنگینی برعهده دارند.

کشف جسد بی‌سر در بزرگراه همت

مأموران پلیس تهران جسد بی‌سر مرد جوانی را در بزرگراه همت کشف کردند که به طرز دلخراشی به قتل رسیده‌بود.

به گزارش «جوان»، ساعت ۷ صبح روز جمعه هفتم اردیبهشت مردی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد جسد بی‌سر مردی را در بزرگراه همت شرق به غرب ورودی خیابان کن پیدا کرده‌است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری کن به محل حادثه رفتند. مأموران در فضای سبز کنار بزرگراه زیر درختی با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که سر در بدن نداشت. مقتول شلوار به تن داشت و بالای تنه آن لخت بود و روی هر یک شانه‌هایش یک عدد ستاره خالکوبی شده‌بود و روی سینه‌اش هم دو تبر به شکل ضربدر خالکوبی شده‌بود. در تن‌پیمایی از جسد متوجه شدند وی با ضربه چاقویی به شکمش در محل دیگری به قتل رسیده و عامل یا عاملان قتل پس از قتل و بریدن سرش جسد را شسته و به این مکان منتقل کرده‌اند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت مقتول کارگر است و به احتمال زیاد در یکی از کارگاه‌های اطراف محل کشف جسد به قتل رسیده‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، برای شناسایی مقتول، تحقیقات درباره این حادثه از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.

پیدا شدن جسد مادر و دختر پولدار در برج مسکونی

مأموران پلیس تهران جسد مادر و دختری را در محل زندگی‌شان در برج مسکونی در شمال تهران کشف کردند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بودند.

به گزارش «جوان»، صبح دیروز یک‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس مأموران پلیس از مرگ مشکوک یک مادر و دختر در خانه‌شان حوالی خیابان جردن باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در یکی از واحدهای برج مسکونی با جسد زن ۷۵ ساله و دختر جوانش روبه‌رو شد که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بودند. بررسی‌ها نشان داد این مادر و دختر با هم زندگی می‌کردند و اسفندماه سال گذشته هم از سوی یکی از بستگانشان اعلام مفقودی می‌شوند.

برادرزاده زن فوت شده گفت: «عمه‌ام همراه دخترش زندگی می‌کرد و من گاهی به آنها سر می‌زدم. از اسفندماه سال قبل از آنها بی‌خبر بودم و احتمال دادم برای مسافرت به خارج از ایران رفته باشند. مدتی از آنها بی‌خبر بودیم و وقتی از آنها ردی پیدا نکردیم، نگران شدیم و به خانه‌اش آمدیم و با پلیس در خانه آنها را باز کردیم و با جسد عمه‌ام و دخترش روبه‌رو شدیم.»

مأموران پلیس همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ، دریافتند مادر و دختر پولدار تعدادی خانه داشتند که آنها را اجاره می‌دادند و با کسی هم اختلافی نداشتند. تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان حادثه از سوی کارآگاهان جنایی ادامه دارد.

مادر دیانا به قتل فرزند بیمارش اعتراف کرد

پرونده دیانا، دختربچه ۱۱ ساله اصفهانی که از بیماری اوتیسم هم رنج می‌برد با اعتراف مادرش به قتل کودک وارد مرحله تازه‌ای شد.

سرهنگ حسین ترکیان، رئیس پلیس آگاهی اصفهان گفت: چهارم اردیبهشت‌ماه بود که اعضای خانواده‌ای گم شدن دختربچه ۱۱ ساله‌شان را به پلیس اصفهان گزارش دادند. آنها گفتند دختربچه که دیانا نام داشت به طرز مشکوکی ناپدید شده است. بنا به حساسیت پرونده، تیمی از کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی در این باره تحقیق کردند. اعضای خانواده دختربچه به پلیس گفتند که دیانا به بیماری اوتیسم مبتلا بود. روز حادثه مادر دیانا بچه را با خودروی شخصی‌اش به خانه می‌آورد. دیانا مقابل خانه پیاده می‌شود و مادر خودرو را به داخل پارکینگ می‌برد، اما وقتی برمی‌گردد متوجه می‌شود خبری از بچه نیست. برای همین پلیس را از ماجرا باخبر می‌کنند. اعضای خانواده دیانا به پلیس گفتند به کسی مظنون نیستند و احتمال می‌دهند در همان زمان سرنشینان یک خودرو کودک را ربوده باشند.

وقتی تحقیقات پلیس با تحقیقات میدانی نشان داد که سناریوی آدم‌ربایی منتفی است، مادر دیانا را به عنوان مظنون بازداشت کردند. او در جریان تحقیقات گفت از ماجرای گم شدن کودک خبری ندارد، اما سرانجام روز گذشته به ارتکاب جنایت اعتراف کرد. متهم گفت: «من به جز دیانا صاحب فرزندی دیگر هم هستم. روز حادثه بود که تصمیم به قتل دیانا گرفتم. بچه‌ام را به باغی متروکه در بیرون شهر بردم و او را با ضربات چاقو به قتل رساندم. بعد هم جسدش را آتش زدم و به اداره پلیس رفتم و گم شدن او را گزارش دادم.»

با اعتراف متهم و با نشانی‌هایی که او در اختیار پلیس گذاشت، کارآگاهان راهی محل شدند و بقایای جسد سوخته را کشف کردند. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای بررسی انگیزه جرم در جریان است.

زنجیرکش اتوبوس تندرو به محل جرم بازگشت

غلامرضا مسکنی

مردی که داخل اتوبوس شهری یکی از مسافران را با زنجیر کتک زده‌بود، دستگیر شد و با حضور در محل حادثه صحنه جرم را بازسازی کرد.

اواخر اسفندماه سال گذشته فیلم کوتاهی از مرد جوانی در فضای مجازی پخش شد که داخل اتوبوس شهری با زنجیر مرد میانسالی را به شدت کتک می‌زد. مرد خشمگین زنجیر به دست مقابل چشمان مسافران با بی‌رحمی تمام، زنجیر به سر و صورت مرد میانسال می‌کوبید. مسافران وحشت‌زده فقط نظاره‌گر حادثه دلخراش بودند و از ترس جرئت نداشتند مانع ضرب و جرح مرد میانسال شوند و فقط افراد خودشان را خم و راست می‌کردند تا زنجیرهای آهنین مرد خشن به بدن آنها برخورد نکند. دقایقی کتک‌کاری با زنجیر ادامه داشت و به نظر می‌رسید عامل ضرب و جرح خسته شده و مرد مصدوم را رها کرده‌است. در میان مسافران مرد سالخورده‌ای که موهایش سفید شده‌بود، تنها فردی بود که به مرد زنجیر به دست اعتراض کرد و او هم از زنجیرهای وی بی‌نصیب نماند و در نهایت هم ضارب پس از توقف اتوبوس همراه همدستانش به سرعت از اتوبس پیاده شد و از محل گریخت.

شناسایی

پخش فیلم خشن در فضای مجازی نگرانی‌های زیادی را در بین شهروندان به‌وجود آورده‌بود و این سؤال مطرح می‌شد چطور مردی در روز روشن و مقابل چشمان مردم در ملأعام اینگونه وحشیانه و وقیحانه با زنجیر به جان فردی افتاده و او را کتک می‌زند. در حالی که به سرعت کلیپ کتک‌کاری در بین مردم دست به دست می‌شد، کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت برای شناسایی عامل ضرب و جرح وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان داد حادثه روز ۲۵ اسفندماه داخل اتوبوس تندروی خط تهرانپارس به میدان آزادی در نزدیکی ایستگاه بیمارستان بوعلی رخ داده و مرد مصدوم هم در بیمارستان بوعلی تحت درمان است.

کارآگاهان پلیس آگاهی در بررسی‌های فنی خیلی زود موفق شدند عامل اصلی را به نام بهمن شناسایی کنند. وقتی مأموران به محل زندگی او رفتند، دریافتند متهم پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته‌است. بدین ترتیب متهم تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت چند روز قبل مخفیگاهش در یکی از شهرهای غربی شناسایی شد و به دام افتاد.

بازسازی صحنه

در حالی که تحقیقات برای دستگیری همدستان وی ادامه دارد، مأموران پلیس تهران متهم را ساعت ۱۱ صبح دیروز یک‌شنبه نهم اردیبهشت ماه برای شکستن هیمنه پوشالی‌اش و نشان دادن اقتدار پلیس در برخورد با اراذل و اوباش برای بازسازی صحنه حادثه به خیابان دماوند حوالی بیمارستان بوعلی منتقل کردند. وقتی خودروی حامل متهم به محل حادثه رسید تعداد زیادی خبرنگار و عکاس و تعدادی مأمور پلیس در محل حاضر بودند. دقایقی بعد هم سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ و سردار ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند.

گریه‌ها و التماس‌ها جواب نداد

شاکی هم که ۴۴ روز قبل در همین محل زنجیرهای مرد خشن سرش را شکافته و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌بود، به محل حادثه آمد و از نزدیک شاهد به غلط کردن مرد شرور بود.

وی در توضیح ماجرا گفت: «من کارمند اداره‌ای هستم و خانه‌ام در یکی از خیابان‌های غربی تهران است. هر روز از محل کارم سوار اتوبوس‌های تندرو می‌شوم و به خانه‌ام می‌روم. روز حادثه ۲۵ اسفندماه بود و ساعت ۷ بعد از ظهر سوار اتوبوس شدم. چند باری روزهای قبل مرد شرور را همراه تعدادی از همدستانش دیده‌بودم که در ازدحام جمعیت وقتی مسافران سوار می‌شوند، اقدام به کیف‌قاپی و موبایل‌قاپی می‌کردند. آن روز هم وقتی سوار اتوبوس شدم، دوباره متهم را دیدم و پس از یکی دو ایستگاه از اتوبوس پیاده و دوباره سوار شد و خودش را به مسافران می‌چسباند تا اقدام به سرقت کند. من روزهای قبل هم مسافران را هوشیار می‌کردم، اما آن روز چون از آنها دور بودم، با صدای بلند گفتم مواظب آن چند مرد باشند، چون آنها قصد سرقت دارند. مرد خشن وقتی فهمید من دست او را رو کرده‌ام، زنجیر بزرگی با دانه‌های درشت آهنی از جیبش بیرون آورد و به سراغ من آمد. سارق خشن با زنجیر مرا به شدت کتک زد و آنقدر زنجیر به سرم و بدنم خورد که سرم از هفت نقطه شکافته‌شد و لباسم بریده و بدنم نیز زخمی شد. همه فقط نگاه می‌کردند و چون همدستانش چاقو و دشنه همراه داشتند، از ترس به کمک من نیامدند. ضربات زنجیر او به سر و بدنم ادامه داشت و احساس کردم دارم بی‌هوش می‌شوم و با گریه و التماس از او خواستم مرا رها کند، اما فایده‌ای نداشت تا اینکه راننده متوجه شد و اتوبوس را متوقف کرد و پس از آن ضارب همراه همدستانش فرار کردند. پس از این، من خونین به بیمارستان بوعلی رفتم و سرم و بدنم بخیه زده‌شد.»

تشکر از پلیس

شاکی ادامه داد: «پس از اینکه متهم و همدستانش فرار کردند، فکر نمی‌کردم متهم خشن به این زودی شناسایی و دستگیر شود. چون همه می‌گفتند آنها ناشناس بوده و از تهران خارج شده‌اند، اما پلیس خیلی زود وارد عمل شد و متهم را به دام انداخت. من قدردان زحمت‌های مأموران پلیس هستم و از آنها به دلیل اینکه متهم را خیلی زود شناسایی و دستگیر کردند، تشکر می‌کنم.»

غلط کردم

متهم مرد ۳۰ ساله‌ای است که پس از حادثه به یکی از شهرهای غربی فرار کرد و در یکی از روستاها مخفی شد، به امید اینکه دست پلیس به او نمی‌رسد و خودش می‌گوید فکر نمی‌کردم مأموران پلیس مرا به این زودی دستگیر کنند و به محل حادثه بازگردانند. وقتی در بین خبرنگاران و عکاسان قرار گرفت، گریه می‌کرد و با صدای بلند می‌گفت غلط کردم.

بهمن سابقه داری؟

نه، من سابقه ندارم و اولین‌بار است که به اتهام ضرب و جرح دستگیر شده‌ام.

اعتیاد داری؟

نه معتاد هم نیستم.

چرا آن روز مرد میانسال را داخل اتوبوس با زنجیر کتک زدی؟

او به من فحاشی کرد و تهمت زد. من هم عصبانی شدم و او را کتک زدم.

چه تهمتی زد؟

اول اینکه فحاشی کرد و مردی که کنارم بود، فکر کنم افغان بود، به من گفت آن مرد به تو فحاشی می‌کند و تهمت دزدی می‌زند. او به مسافران اتوبوس می‌گفت من سارق هستم و همین موضوع مرا عصبانی کرد.

اما آن مرد قبلاً هم دیده‌بود که شما داخل اتوبوس با همدستانت سرقت می‌کنی؟

من اصلاً سارق نیستم و همدستی هم ندارم. اگر پرونده مرا بررسی کنند، می‌بینند من هیچ سابقه‌ای ندارم.

اما مسافران همدست تو را دیده‌اند؟

نه اون همان مرد افغان بود که کنارم ایستاده‌بود و به من گفت شاکی به تو فحاشی کرده‌است.

شما در تهران دوستی نداری؟

من اهل یکی از شهرهای غربی کشور هستم و در تهران فقط یک دوست دارم که مسافرکشی می‌کند. آن روز هم او مرا با خودرویش تا ایستگاه اتوبوس رسانده‌بود.

برای چه به تهران آمده بودی؟

شب عید بود و می‌خواستم برای زن و فرزندم آجیل بخرم و به شهرمان ببرم. یکی از دوستانم گفت آجیل در تهران ارزان‌تر از شهر ماست و من به تهران آمدم.

متأهلی؟

بله، من یک فرزند خردسال دارم و اصلاً اهل خلاف نیستم و الان هم پشیمان هستم که چرا آن اتفاق افتاد.

فکر می‌کنی غیر از یک شرور سابقه‌دار کس دیگری هم می‌تواند آن حادثه را رقم بزند؟

من آن روز خیلی عصبانی شدم و اصلاً نفهمیدم چه کار می‌کنم. الان هم با خودم می‌گویم ای کاش او هم مرا کتک می‌زد.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز سوار اتوبوس شدم تا به خیابان شهرستانی بروم و خرید کنم و بعد هم به شهرستان محل زندگی‌ام بروم. وقتی سوار شدم و این مرد به من تهمت زد، عصبانی شدم و او را کتک زدم.

چه خریدی؟

بچه‌ام از من خواسته‌بود برای او از تهران آجیل و اسباب‌بازی بخرم، اما وقتی این اتفاق افتاد، خرید نکردم و به شهرمان رفتم.

از ترس فرار کردی؟

بله، ترسیدم و به سرعت به شهرمان رفتم. البته من در روستایمان کشاورزی می‌کنم و به محل زندگی‌ام رفتم.

بعد از اینکه فیلم کتک‌کاری شما پخش شد، فرار کردی درسته؟

نه، من پس از حادثه به شهرمان رفتم و در آنجا فیلم را دیدم و فهمیدم که پلیس در تعقیب من است.

زنجیر را از کجا آورده بودی؟

زنجیر موتورم بودم که داخل جیبم گذاشته‌بودم.

برای چه داخل جیبت بود؟

سکوت می‌کند.

فکر می‌کردی به این زودی شناسایی و دستگیر شوی؟

نه فکر نمی‌کردم. چون سابقه نداشتم و اهل تهران هم نبودم، فکر می‌کردم شناسایی نشوم، اما پلیس خیلی زود مرا شناسایی و دستگیر کرد.

حرف آخر؟

خیلی پشیمان هستم و ای کاش عصبانی نمی‌شدم و الان هم روبه‌روی همه می‌گویم غلط کردم.

شرب خمر مرگبار در دورهمی پزشکان

مصرف مشروب در دورهمی پزشکان در شیراز به مرگ یکی از آنها و مسمومیت ۲۹ پزشک دیگر منجر شد.

رکنا نوشت: به دنبال برگزاری یک میهمانی در شیراز که همه میهمانان پزشک بودند، ۲۹ پزشک به خاطر مصرف مشروب تقلبی (متانول) دچار مسمومیت و در بیمارستان بستری شدند.

چند نفر از پزشکان دیالیز شدند و خانم دکتر اکبری که در همان میهمانی فوت کرد. شوهر وی دکتر فرید شهریور هم که فوق‌تخصص چشم بود، هر دو کلیه‌اش از کار افتاده و هم‌اکنون در کما است. براساس این گزارش تعداد زیادی از میهمانان نیز که شامل چندین متخصص قلب، زنان و چشم بودند نیز دچار نارسایی شدید کلیه و دیالیزی شدند.

شنیده‌ها حاکی از آن است که عامل فروش این مشروبات الکلی دست‌ساز نیز دستگیر شده‌است.

یادداشت

درباره پابند الکترونیک

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

شمار زیادی از سارقان سابقه‌دار با پابندهای الکترونیکی در جامعه رها شده‌اند و شمار بیشتری هم با طی کردن مراحل قانونی از زندان‌ها آزاد می‌شوند. پلیس اعلام کرده این مجرمان بعد از نصب شدن پابند می‌توانند در سطح کشور تردد کنند و محدودیتی برای تردد آنها وجود ندارد.

نصب پابند الکترونیک نمی‌تواند مانعی برای بروز عمل مجرمانه باشد به این معنا که هر مجرمی که پابند الکترونیک به پا دارد، بعد از رهایی از زندان هم می‌تواند به چرخه سرقت بازگردد و تا زمانی که بازداشت نشده در این چرخه باقی بماند. برداشتن محدویت تردد برای این دسته از مجرمان فرصت ارتکاب دوباره عمل مجرمانه را بالاتر هم می‌برد. مثلاً بسیاری از سارقانی که در تهران مشغول کارند اهل شهرستان هستند. اگر محدودیت تردد برای سارقان وجود داشته باشد، اعضایی از این باندها که پابند به پا دارند، نمی‌توانند در این سرقت‌ها حاضر شوند این یعنی فرصت ارتکاب جرم از آنها گرفته می‌شود. این موضوع در مورد پایتخت که دارای مناطق بسیاری است هم صدق می‌کند. مثلاً مجرمی که اجازه تردد در منطقه ۷ تهران را داشته باشد، امکان ارتکاب جرم او کاهش پیدا می‌کند و تسلط پلیس هم بر او بیشتر می‌شود. او نگاه قانون را روی رفتار خودش بیشتر از زمانی احساس خواهد کرد که بخواهد بدون محدودیت تردد کند.

موضوع دیگر کنترل دشوار مجرمان با برداشتن محدویت تردد است. روشن است کنترل کردن مجرمان در یک محدوده جغرافیایی آسان‌تر از کنترل آنها بدون محدودیت تردد است، در واقع با تردد یک مجرم از شهر یا استانی به شهر یا استان دیگر بار اضافه‌ای از یک شهر یا استان به شهر یا استان دیگر منتقل می‌شود، خصوصاً شهرهایی که امکان بروز اعمال مجرمانه در آنها وجود داشته باشد.

به نظر می‌رسد این طرح یک معضل دیگری را با خود حمل می‌کند؛ مشمولان این طرح مجرمانی هستند که دارای سوابق متعددی باشند. روشن است سارقان سابقه‌دار نسبت به سارقانی که برای اولین بار پایشان به زندان باز شده، خطر بیشتری دارند. در چنین وضعیتی بهتر بود ساختار قانونی این امتیاز را در اختیار سارقانی قرار می‌داد که برای اولین بار مرتکب سرقت شده‌اند. بسیاری از افرادی که برای اولین بار مرتکب سرقت می‌شوند در زندان به عضویت باندهای سرقت درمی‌آیند و در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی که در زندان‌ها برقرار است، شرکت می‌کنند. اولین تجربه زندان بیش از اینکه مایه تنبه مجرم شود فرصت‌های ارتکاب جرم بیشتری را برایش فراهم می‌کند، از همین رو آزاد کردن آنها با پابند الکترونیک هم خطر کمتری را برای جامعه به همراه دارد و هم فرصت‌های اعمال مجرمانه بیشتری را از آنها سلب می‌کند.

موضوع دیگر اینکه در اجرای این طرح بیش از هر چیز تلاش برای کاهش جمعیت کیفری مورد توجه قرار گرفته است. فردی که مرتکب جرم می‌شود باید دور از جامعه و در زندان نگه داشته شود. تردیدی وجود ندارد جامعه از زندانی بودن مجرم خطرناک بیشتر از آزاد بودنش با پابند الکترونیک احساس امنیت می‌کند، آن هم مجرمی که وقتی پایش را از زندان بیرون می‌گذارد، می‌تواند بدون داشتن محدودیت تردد کند.

بازداشت دزدان طلاهای ۳۰ میلیاردی

فرمانده انتظامی استان البرز از دستگیری سه سارق طلا به ارزش ۳۰ میلیارد تومان خبر داد.

سردار حمید هداوند گفت: همزمان با اعلام خبر سرقت کیف حاوی طلاجات از فردی در محدوده کلاک، مأموران کلانتری ۴۰ با حضور در صحنه، تحقیقات میدانی این پرونده را انجام و دستگیری سارقان را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند.

وی افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد شاکی این پرونده برای خرید جام طلای عتیقه به محلی در محدوده کلاک در حال حرکت بوده که سه نفر با سلاح سرد او را تهدید و کیف شاکی پرونده را سرقت می‌کنند.

فرمانده انتظامی استان البرز اظهار داشت: کیف به سرقت برده شده حاوی تعداد زیادی سکه، ارز و شمش طلا در مجموع به ارزش ۳۰ میلیارد تومان بود.

این مقام انتظامی بیان داشت: مأموران کلانتری با بررسی صحنه وقوع جرم و به کارگیری اقدامات فنی و پلیسی، سارقان را شناسایی می‌کنند و با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی آنها را دستگیر و از مخفیگاهشان تمامی اموال مسروقه را کشف کردند.

دستگیری مرد میانسال به اتهام قتل همسرش

تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران درباره مرگ مشکوک زنی که جسدش در حمام خانه‌شان کشف شده‌بود با دستگیری شوهرش وارد مرحله‌ای تازه شد.

اوایل فرودین ماه، مردی میانسال با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش مرگ مشکوک همسرش را اعلام کرد. بعد از آن بود که تیمی از مأموران پلیس راهی خانه او در محله لواسان شدند. مأموران پلیس در حمام خانه با جسد زنی میانسال مواجه شدند که آثار خراشیدگی روی مچ دست و پاهایش معلوم بود.

تحقیقات نشان می‌داد که احتمالاً زن میانسال به دلیل فشار روی عناصر حیاتی گردن به کام مرگ رفته‌است. همزمان با حضور بازپرس جنایی و کارآگاهان پلیس آگاهی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات ادامه پیدا کرد. شوهر او در اولین تحقیقات گفت: همسرم به حمام رفته‌بود که صدای افتادنش را شنیدم. وقتی خودم را رساندم، دیدم به زمین سقوط کرده و دچار حادثه شده‌است که به پلیس و اورژانس خبر دادم. از آنجا که مرد میانسال ادعاهای متناقضی را مطرح کرده‌بود، به دستور بازپرس بازداشت شد. تحقیقات در این‌باره جریان دارد.